

بررسی تأثیر مالکیت نهادی، اهرم مالی و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

عباس سعیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد بوشهر، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول).
abbassaeidi56@gmail.com

دکتر رضا حسینی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی خرد بوشهر، بوشهر، ایران.
hosseinir42@yahoo.com

چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره هفتم)
شماره ۹۱ / تابستان ۱۴۰۳ (جلد اول) / صص ۱۸۶-۱۹۹

چکیده

اجتناب از مالیات رفتاری قانونی است؛ یعنی عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند بدهی مالیاتی‌شان را کاهش دهند. پرداخت مالیات سبب خروج جریان‌های نقدی شرکت می‌شود. به همین منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های مالیاتی همیشه در کانون توجه مدیران شرکت‌ها بوده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مالکیت نهادی، اهرم مالی و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به این منظور نمونه‌ای شامل ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۵، ۱۴۰۱ انتخاب شد. اطلاعات با استفاده از داده‌های موجود در نرم‌افزار ره‌آورد نوین و بررسی گزارش‌ها و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق مراجعه به سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شد؛ و آزمون‌ها با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی داده‌های پانلی صورت پذیرفته است. نتایج نشان می‌دهد: مالکیت نهادی و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معناداری دارد. ولی اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری دارد.

کلمات کلیدی: مالکیت نهادی، اهرم مالی، نقدینگی، اجتناب مالیاتی.

مقدمه

در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده است کمتر باشد؛ بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی، نحوه اندازه‌گیری، عوامل مؤثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود؛ زیرا اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به‌طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد؛ بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. شرکت‌ها معمولاً به‌وسیله انتقال سود از حوزه مالیات بالا به یک منطقه کم مالیات و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات فروخته شده بین شرکت‌های وابسته از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند. (طاهری بادمحمود و همکاران، ۱۴۰۰).

یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی که از انگیزه، منابع و قدرت کافی و لازم در واحدهای تجاری برخوردار هستند تا مدیران را وادار نمایند که همسو با اهداف حداکثرسازی منافع شرکت گام بردارند، سرمایه‌گذاران نهادی هستند (صالحی، ۱۳۹۹). مالکان نهادی جزو گروه‌های اصلی سرمایه‌گذاران هستند که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی می‌باشند (قاسمیان سورینی و مدانلو، ۱۴۰۰). وجود این گروه از سرمایه‌گذاران به دلیل کنترل و نظارت بیشتر و دقیق‌تر آن‌ها بر اختیار و آزادی عمل مدیران، جبهه‌گیری مدیر در شرکت را سخت می‌کند و محتوای اطلاعاتی سود را افزایش می‌دهد (صالحی، ۱۳۹۹)، شدند. سرمایه‌گذاران نهادی، انگیزه و توانایی زیادی برای تأثیرگذاری روی تصمیمات شرکت دارند. توانایی‌های آن‌ها به‌طور قابل توجهی بیشتر از دیگر سرمایه‌گذاران است. وجود انگیزه سرمایه‌گذاران نهادی برای نظارت مؤثر رفتار مدیریت، ثروت واقعی آن‌ها در شرکت است و این نظارت و کنترل مؤثر باعث صرفه اقتصادی می‌شود. نظارت بر رفتار مدیران موجب می‌گردد که آن‌ها مسئولیت و نگرانی بیشتری در قبال سهامداران خود احساس کنند. سرمایه‌گذاران نهادی با بینش‌های وسیع برای عملکرد بهینه شرکت در انتخاب اهداف سرمایه‌گذاری در آینده نیز کمک می‌کنند (حسینی و پروانه، ۱۳۹۵).

همواره اهرم مالی به‌عنوان مهم‌ترین پارامتر مؤثر بر ارزش‌گذاری شرکت‌ها و برای جهت‌گیری آنان در بازارهای سرمایه مطرح گردیده است. به‌طور کلی محیط متحول و متغیر کنونی، درجه‌بندی شرکت‌ها را از لحاظ اعتباری نیز تا حدودی به تغییرات اهرم مالی آنان مربوط ساخته است. این امر نیز برنامه‌ریزی استراتژیک آن‌ها را به انتخاب منابع مؤثر بر هدف حداکثر سازی ثروت سهامداران نزدیک کرده است. بدین ترتیب عوامل و متغیرهای سیال مؤثر بر تغییرات اهرم مالی می‌تواند سودآوری و کارایی شرکت‌ها را در پوشش هدف مذکور در قالب تئوری نمایندگی و رعایت تئوری سلسله مراتب تحت تأثیر قرار دهد. بسیار واضح است که موج تصمیم‌گیری در شرکت‌ها در زمینه رعایت اصول تطابق در هنگام تأمین منابع مالی، رهیافتی معین در تعدیل تصمیمات مذکور با توجه به مقتضیات محیط اقتصادی محسوب شده و مدلی مناسب برای رونق و اثربخشی روزافزون تفکر حاکم بر عملکرد شرکت‌ها شمرده می‌شود. با توجه به منابع تأمین مالی، شرکت‌ها دارای بازده و ریسک متفاوتی در عرصه بازارهای تأمین سرمایه هستند. بنابراین تصمیمات مربوط به تغییرات اهرم مالی نقش مؤثری در کارایی و اعتبار شرکت‌ها نزد مؤسسات تأمین سرمایه خواهد داشت (دووس^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). به‌طور کلی نقدینگی یک نوع دارایی است و همه این دارایی‌ها نهایتاً برای دادوستد باید به پول تبدیل شوند، اما سرعت آن‌ها متفاوت است، اما هرچه یک دارایی سریع‌تر به پول تبدیل شود اصطلاحاً درجه نقدشوندگی آن بالاتر است. بنابراین پول نقد سرعت معاملات را بالا می‌برد. به‌طور کلی نقدینگی در اقتصاد شامل پول و شبه پول است. جریان پول بالاترین درجه نقد شونده را دارد، که به‌سرعت می‌توان هر آنچه را که آماده فروش است تهیه نمود، به عبارت خیلی ساده پول به اسکناس و سکه‌های (مسکوکات) در دست مردم، همچنین هرگونه حساب بانکی که در هر زمان امکان برداشت تا ریال آخر از آن وجود داشته باشد اطلاق می‌شود. به‌این ترتیب این‌گونه حساب‌ها مثل پول نقد عمل کرده و سرعت انجام معامله با آن‌ها مثل پول نقد است.

با توجه به مطالب فوق این سوالات بیان می‌شود که آیا مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد؟ و آیا اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد؟ و آیا نقدینگی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد؟ لذا این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوالات می‌باشد.

چارچوب نظری فرضیه‌های تحقیق

صاحب‌نظران مالی با ارائه نظریه‌های گوناگون، همواره درصد پی‌ریزی ساختار بهینه‌ای هستند که بتواند کمترین هزینه سرمایه را بر شرکت تحمیل کرده و بیشترین ارزش را برای آن شرکت در بازار سرمایه ایجاد نماید. در این بین اهرم مالی

¹ Devos

به عنوان یکی از مهم ترین مفاهیم اهرمی، جایگاه خاصی در مدیریت ساختار سرمایه دارد (سینایی و نیسی، ۱۳۸۲). نسبت های اهرمی، همواره ابزارهایی جهت تعیین میزان احتمال قصور و ناتوانی شرکت در ایفای تعهدات مربوط به دیون و بدهی های آن به شمار رفته و افزایش لجام گسیخته آن، خطر بروز بحران مالی و ورشکستگی شرکت را تشدید خواهد کرد (نوروش و دیانتی دیلمی، ۱۳۸۳). محیط فعالیت شرکت ها به سرعت در حال رشد و بسیار رقابتی است و شرکت ها برای ادامه حیات، مجبور به رقابت با عوامل متعدد در سطح ملی و بین المللی و گسترش فعالیت های خود از طریق سرمایه گذاری های جدید می باشند (جهانخانی و شوری، ۱۳۹۰).

بدون تردید موجودی نقد یکی از سیال ترین دارایی های مالی شرکت ها می باشد. این ویژگی موجودی نقد، اهمیت فوق العاده ای را به آن بخشیده است. مالکیت نهادی می تواند از عدم تقارن اطلاعاتی کاسته و دارای پیامدهای اقتصادی برای شرکت باشد و از آن جایی که عدم تقارن اطلاعاتی عامل اثر گذاری بر میزان نگهداشت وجه نقد شرکت است، می توان انتظار داشت که حضور سرمایه گذاران نهادی از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و متعاقباً کاهش وجه نقد مازاد بر نیاز، موجب افزایش کارایی سرمایه گذاری شده و مدیریت وجه نقد شرکت را بهبود بخشد که نهایتاً منجر به نگهداشت وجه نقد کمتری در شرکت می شود (کراوت^۱، ۲۰۱۶).

شواهد نشان می دهد که سرمایه گذاری جهت تحصیل شرکت ها و انجام مخارج سرمایه ای و تحقیق و توسعه در شرکت هایی که حاکمیت شرکتی ضعیفی دارند، بیشتر از سایر شرکت ها است. وجود نظارت کارآ در شرکت های سهامی منجر به تمرکز حاکمیت شرکتی و کاهش میدان عمل مدیران می شود و در نتیجه در این شرکت ها مدیریت فرصتی برای خرج کردن سریع وجوه نقد اضافی ندارد. یکی از ابزارهای نظارت، وجود سهامداران نهادی در ساختار مالکیتی شرکت است که انتظار می رود به عنوان یک عامل کنترلی و بازدارنده در مقابل مشکلات نمایندگی وجوه نقد عمل نماید. از این رو با به کارگیری محافظه کاری در حسابداری، مدیران تمایل دارند تا زیان های ناشی از پروژه های ضعیف را در مراحل اولیه تصدیقشان شناسایی کنند. شناسایی زیان ها در مراحل اولیه موجب کاهش انگیزه های مدیران برای انجام پروژه هایی با ارزش فعلی منفی می شود. بنابراین ضروری است که وجه نقد اولاً به عنوان یکی از ارکان برنامه ریزی مالی همواره مورد توجه مدیران مالی قرار گیرد و ثانیاً به صورت کارا و اثربخش در خصوص وجه نقد اعمال مدیریت شود. در چنین شرایطی آگاهی از عوامل تأثیرگذار بر وجه نقد به مدیران کمک می کند تا تصمیمات مطلوبی اتخاذ کرده که این امر در راستای افزایش ارزش وجه نقد مؤثر است.

مالیات یکی از منابع مهم بودجه ای دولت ها می باشد و تأمین هزینه های دولت از محل مالیات منجر به پویایی و رشد اقتصادی می شود. از طرفی هزینه تحمیلی ناشی از مالیات خوشایند سرمایه گذران و مالکان نمی باشد، چون باعث کاهش بازده و انتقال منابع از مالکان به سوی دولت می شود. لذا واحدهای تجاری برای جلوگیری از کاهش سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری، به اجرای برنامه های اجتناب مالیاتی با هدف تعدیل هزینه های ناشی از مالیات و افزایش ثروت سهامداران روی می آورند. اما چون برنامه های اجتناب مالیاتی همراه با ابهام و پنهان کاری است، احتمال سوء استفاده مدیریت فرصت طلب از ابهام ایجاد شده وجود دارد.

پیشینه داخلی و خارجی

رفیع زاده و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیرات آستانه های مالکیت نهادی بر اهرم مالی و سیاست تقسیم سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازند. یافته های تحقیق نشان می دهند که تأثیر سهامدار نهادی بر اهرم مالی حاصل دو مقادیر آستانه های مالکیت نهادی و در نتیجه سه رژیم رفتاری متفاوت برای اهرم مالی

¹ Kravet

است. در رژیم‌های رفتاری اول و دوم، مالکیت نهادی تأثیرات منفی و معنی‌داری بر اهرم مالی داشته که با افزایش میزان مالکیت ضریب کاهشی آن شدت می‌پذیرد؛ اما در مقادیر مالکیت نهادی بالاتر از آستانه دوم تأثیر معنی‌داری بر اهرم مالی تأیید نمی‌گردد. در ارتباط با تأثیر مالکیت نهادی بر سود سهام پرداختی نیز یک مقدار آستانه‌ها شناسایی گردیده که بر هر دو رژیم تأثیر مالکیت نهادی بر سود سهام پرداختی مثبت و معنی‌دار بوده اما در مقادیر بالای مقدار آستانه‌ای ضریب تأثیر افزایش قابل توجهی نشان می‌دهد.

یوسفوند و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی و کیفیت ارقام تعهدی پرداختند. نتایج حاصله نشان داد که هر چه خوانایی گزارشگری مالی بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. اما، خوانایی گزارشگری مالی بر کیفیت ارقام تعهدی اثر معنی‌داری ندارد.

برزگر و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی تأثیر اهرم مالی بر مدیریت هزینه کارکنان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین اهرم مالی و مدیریت هزینه کارکنان رابطه‌ای معنادار و منفی وجود دارد.

نوویانی و دامایانتي^۱ (۲۰۲۴)، در پژوهشی به تأثیر حاکمیت شرکتی خوب، اهرم و اندازه شرکت بر اجتناب از مالیات پرداختند. نتایج نشان داد که مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و هیئت مدیره مستقل تأثیر منفی معناداری بر اجتناب مالیاتی داشته است، کمیته حسابرسی تأثیر منفی معناداری بر اجتناب مالیاتی داشته است. اثر منفی معنادار بر اجتناب مالیاتی، اهرم تأثیر مثبت و معنادار بر اجتناب مالیاتی و اندازه شرکت تأثیر منفی معناداری بر اجتناب مالیاتی داشت. پوتری و دیگدویزایسو^۲ (۲۰۲۳)، در پژوهشی به تأثیر سودآوری، نقدینگی، اهرم، شدت سرمایه و اندازه شرکت بر اجتناب از مالیات پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که آزمون t متغیرهای سودآوری و اهرم تأثیر مثبت بر اجتناب مالیاتی دارد، در حالی که نقدینگی، شدت سرمایه و اندازه شرکت تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارند. در همین حال، برای آزمون f سودآوری، نقدینگی، اهرم، شدت سرمایه، اندازه شرکت تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی دارد.

عینی^۳ و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی به تأثیر سودآوری، اهرم و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی در بورس اوراق بهادار اندونزی، ۲۰۱۸، ۲۰۲۰ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که سودآوری تأثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی، اهرم تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی و نقدینگی تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد. نتیجه‌گیری تنها یک اثر بر اجتناب مالیاتی، یعنی سودآوری وجود دارد، در حالی که اهرم و نقدینگی بر اجتناب از مالیات تأثیری ندارند.

دارسانی و سوکارتا^۴ (۲۰۲۱)، در پژوهشی به تأثیر مالکیت نهادی، سودآوری، اهرم و نسبت شدت سرمایه بر اجتناب مالیاتی پرداختند. مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی اثر منفی، سودآوری و نسبت شدت سرمایه بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت دارد، در حالی که اهرم تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد. نتایج این مطالعه می‌تواند از لحاظ نظری نظریه نمایندگی را تأیید کند که توضیح می‌دهد که تفاوت‌هایی در منافع بین دولت (اصول) و شرکت‌ها یا مالیات‌دهندگان (نمایندگان) وجود دارد و همچنین نظریه مثبت حسابداری را تأیید می‌کند که توضیح می‌دهد که روش‌های حسابداری مورد استفاده شرکت‌ها تا هزینه‌های سیاسی خود را به حداقل برسانند.

آگراها^۵ و همکاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی به تأثیر حاکمیت شرکتی، اهرم و بازده دارایی‌ها (ROA) در برابر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های مواد غذایی و آشامیدنی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. نتایج نشان داد که متغیرهای

¹ Noviyani & Damayanty

² Putri & Digdowiseiso

³ Aini

⁴ Darsani & Sukartha

⁵ Agraha

کمیته حسابرسی، اندازه شرکت و ROA بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارند، در حالی که متغیر مالکیت نهادی، حسابرسی کیفیت و اهرم تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارند.

فرضیه‌های پژوهش

- ✓ مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.
- ✓ اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.
- ✓ نقدینگی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش برای اینکه نمونه یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، برای انتخاب نمونه از روش غربالگری (حذفی) استفاده شده است.

نمونه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران که از شرایط زیر برخوردار باشند: پیش فرض ها به ترتیب اعمال شدند بدین صورت که هر شرکتی که در پیش فرض اول قرار گرفته است برای شمارش پیش فرض های بعدی لحاظ نگردیده است. در این تحقیق بعد از اعمال پیش فرض ها، ۹۷ شرکت باقی ماندند.

نحوه سنجش متغیرها

مدل آماری:

برای انجام فرضیه پژوهش از مدل زیر استفاده می‌کنیم:

هدف اعلام شده این پژوهش این است که به دنبال بررسی تأثیر مالکیت نهادی، اهرم مالی و نقدینگی بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌کنندگی اندازه شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشد.

۱. متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی

۲. متغیرهای مستقل: مالکیت نهادی، اهرم مالی، نقدینگی

۳. متغیرهای کنترلی: رشد شرکت، بازده دارایی‌ها

مدل آماری:

برای انجام فرضیه پژوهش از مدل زیر استفاده می‌کنیم:

مدل آماری این پژوهش برگرفته از تحقیق سافیتی و اکتریس (۲۰۲۳)، به شرح زیر می‌باشد:

مدل اول (۱):

$$ETR_{it} = \alpha_{it} + \beta_1 IO_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 Cash_{it} + \beta_4 Growth_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در روابط فوق:

جدول (۱): تعریف متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری

نوع متغیر	نام متغیر	معیار اندازه‌گیری	نحوه اندازه‌گیری
وابسته	اجتناب مالیاتی	ETR	از تقسیم هزینه مالیات شرکت I در سال t بر درآمد قبل از مالیات شرکت I در سال t به دست می‌آید.
مستقل	مالکیت نهادی	IO	برابر درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه است که این شرکت ها شامل شرکت های بیمه،

موسسه های مالی، بانک ها و دیگر اجزای دولت است.			
تقسیم بدهی ها به کل مجموع دارایی	LEV	اهرم مالی	
$Cash\ holdings = \frac{(TC + CE)}{TA}$	Cash	نقدینگی	
میزان سود خالص به کل دارایی ها	ROA	بازده دارایی ها	کنترلی
بر اساس تفاضل فروش سال جاری بر فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل به دست می آید.	Growth	رشد شرکت	

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

جدول (۲): شاخص های توصیف کننده متغیرهای پژوهش، شاخص های مرکزی، شاخص های پراکندگی و شاخص های شکل توزیع (آماري)

پنل - متغیرهای پیوسته									
نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانۀ	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اجتناب مالیاتی	ETR	۶۷۹	۰.۱۰۰۱	۰.۰۹۰۴	۲.۱۹۱۸	-۱.۱۱۵۱	۰.۱۳۶۷	۱.۶۲۹۰	۸.۱۰۵۹
مالکیت نهادی	IO	۶۷۹	۰.۵۶۹۰	۰.۵۷۲۸	۰.۸۸۷۸	۰.۲۱۳۵	۰.۱۳۸۰	-۰.۱۱۴۴	۲.۵۱۶۵
اهرم مالی	LEV	۶۷۹	۰.۵۸۱۴	۰.۵۸۶۸	۱.۵۶۵۶	۰.۰۵۶۵	۰.۲۲۰۴	-۰.۲۲۲۲	۳.۴۶۴۶
نقدینگی	Cash	۶۷۹	۰.۰۷۸۱	۰.۰۳۵۸	۰.۸۸۷۵	۰.۰۰۰۳	۰.۱۲۰۰	۳.۲۴۳۲	۱۵.۳۴۸۸
رشد شرکت	Growth	۶۷۹	۰.۲۶۹۶	۰.۱۷۳۳	۷.۸۱۵۵	-۰.۹۳۱۰	۰.۷۰۷۸	۱.۲۱۶۶	۷.۹۷۷۳
بازده دارایی ها	ROA	۶۷۹	۰.۱۱۷۱	۰.۱۰۰۰	۰.۵۶۴۳	-۰.۳۲۶۹	۰.۱۲۶۲	۰.۵۲۴۵	۴.۸۱۰۲

در جدول (۲)، برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانۀ، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی ارائه شده است. در این میان، پارامترهای مرکزی، دسته ای از پارامترهای توصیف کننده ی یک توزیع آماری هستند که ویژگی داده ها را نسبت به مرکز توزیع بیان می کنند. میانگین به عنوان نقطه تعادل و مرکز ثقل یک توزیع آماری، یکی از شاخص های مرکزی مناسب برای نشان دادن مرکزیت داده ها است. در جدول ۲ تعداد مشاهدات مربوط به شرکت های مورد مطالعه ۶۷۹ (۹۷ شرکت در ۵ سال) است. همچنین مشاهده می شود که میانگین و انحراف معیار متغیرهای، اجتناب مالیاتی 0.1001 ± 0.0904 ، مالکیت نهادی 0.5690 ± 0.1380 ، اهرم مالی 0.5814 ± 0.2204 ، نقدینگی 0.0781 ± 0.0358 ، رشد شرکت 0.2696 ± 0.1733 و بازده دارایی ها 0.1171 ± 0.1262 می باشد.

دسته ای دیگر از پارامترهای توصیف کننده ی جامعه، پارامترهای پراکندگی هستند. پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. هرچه قدر میزان انحراف معیار یک توزیع آماری بیشتر باشد، نشان دهنده ی این است که این داده ها، دارای پراکندگی بیشتری هستند. در میان متغیرهای این پژوهش اهرم مالی بیشترین پراکندگی و نقدینگی کمترین پراکندگی را دارد. چولگی بیانگر عدم تقارن منحنی فراوانی است. اگر ضریب چولگی صفر باشد جامعه کاملاً

مبتازن است و چنانچه ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر منفی باشد، چولگی به چپ وجود دارد. با در نظر گرفتن ضریب چولگی انواع متغیرها، مشخص می‌شود که توزیع متغیرهای پژوهش به جزء مالکیت نهادی و اهرم مالی به‌طور کلی از چولگی به سمت راست (چولگی مثبت) است. این بدان معناست که توزیع جامعه، توزیع نامبتازن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر بوده است.

کشیدگی نشان‌دهنده ارتفاع یک توزیع است. به‌عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر ۳ است. کشیدگی مثبت یعنی قله توزیع موردنظر از توزیع نرمال بالاتر و کشیدگی منفی نشانه پایین‌تر بودن قله از توزیع نرمال است؛ که در اینجا کشیدگی اکثر متغیرهای پژوهش مثبت است.

پایایی متغیرها

جدول (۳): نتایج آزمون مانایی برای متغیرهای مدل‌ها

متغیر	آماره آزمون	مقدار p*	نتیجه
اجتناب مالیاتی	-۱۷/۰۰۷	۰/۰۰۰	پایا
مالکیت نهادی	-۳۳/۶۱۶	۰/۰۰۰	پایا
اهرم مالی	-۳۰/۹۱۰	۰/۰۰۰	پایا
نقدینگی	-۴۹/۵۷۵	۰/۰۰۰	پایا
رشد شرکت	-۲۰/۳۳۰	۰/۰۰۰	پایا
بازده دارایی‌ها	-۱۹/۵۸۶	۰/۰۰۰	پایا

* p-value (prob)

قبل از تفسیر نتایج جدول (۳) ذکر این نکته قابل‌توجه است که در آزمون ریشه واحد، فرض صفر بیانگر نامانایی متغیرها است. در این صورت چنانچه مقدار p کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد خواهد شد. به‌این ترتیب نتایج حاصل از آزمون مانایی برای داده‌های ترکیبی (پانل) در جدول (۳) نشان از مانا بودن تمام متغیرهای مورد مطالعه است.

تحلیل داده‌ها

عدم وجود خودهمبستگی جمله خطا (باقیمانده‌ها)

جدول (۴): آزمون همبستگی سریالی LM

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری
مدل اول	F(۲,۶۷۱)	۱۹/۹۳۴	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۴) مشاهده می‌شود مدل پژوهش مشکل وجود همبستگی جمله خطا وجود دارد. ثابت بودن واریانس جمله خطا (باقیمانده‌ها)

جدول (۵): آزمون بروش، پاگان، گودفری

نام متغیر	نوع آماره	احتمال آماره	سطح معناداری
مدل اول	F(۲,۶۷۱)	۱۹/۹۳۴	۰/۰۰۰

در این آزمون فرض بر ناهمسانی واریانس باقیمانده‌ها است که با توجه به جدول فوق و معنادار بودن مدل‌ها پژوهش، فرضیه ما مبنی بر وجود همسانی واریانس در مدل پژوهش پذیرفته نمی‌شود، الگو دارای ناهمسانی واریانس می‌باشد و نمی‌توان از رگرسیون خطی استفاده نمود و نیاز به استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) است.

عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل است. در صورت وجود هم خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث می شود که تعداد متغیرهای معنی دار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی است. نتایج حاصل از این آزمون نشان می دهد؛ که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

جدول (۶): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل های پژوهش

جدول (۴، ۹): نتایج حاصل از آزمون عدم وجود هم خطی بین جملات توضیحی در مدل اول پژوهش

متغیر	نماد	واریانس ضریب	عامل تورم واریانس
مالکیت نهادی	IO	۰.۸۷۳۹۴۲۳	۱.۱۴۴۲۴۰۳
اهرم مالی	LEV	۰.۵۰۴۷۶۰۹	۱.۹۸۱۱۳۶۰
نقدینگی	Cash	۰.۴۹۵۱۱۷۹	۲.۰۱۹۷۲۱۰
رشد شرکت	Growth	۰.۹۴۶۹۵۶۴	۱.۰۵۶۰۱۴۸
بازده دارایی ها	ROA	۰.۹۲۳۵۵۲۲	۱.۰۸۲۷۷۵۹

تحلیل یافته ها

آزمون تشخیص مدل (آزمون چاو)

جدول (۹): نتایج آزمون F لیمر برای مدل ها

مدل اول	آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار p	نتیجه
مدل اول	۲/۸۱۷	(۹۶،۵۷۷)	۰/۰۰۰	استفاده از داده های تابلویی

همان گونه که در جدول (۹) مشاهده می شود فرض صفر مبنی بر برابری همه اثرات خاص شرکت ها در مورد مدل ها رد می شود ($p < 0.05$). این بدان معنی است که نمی توان مدل را با روی هم ریختن داده های مربوط به شرکت های مورد مطالعه و به روش Pooling تخمین زد بلکه باید از روش داده های پانل استفاده کرد. به عبارتی کارآمدی برآورد مدل ها با استفاده از داده های پانل برای ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مشخص می شود.

آزمون تشخیص نوع مدل (آزمون هاسمن)

جدول (۱۰): نتایج آزمون هاسمن برای مدل ها

مدل اول	آماره آزمون	درجه آزادی	مقدار p	نتیجه
مدل اول	۱۳/۴۲۶	۵	۰/۰۲۰	استفاده از مدل اثرات ثابت

همان گونه که در جدول (۱۰) مشاهده می شود فرض صفر کاراتر بودن مدل اثرات تصادفی برای شرکت های مورد مطالعه رد می شود ($p < 0.05$). به عبارتی نتایج بیانگر تأیید اثرات ثابت در برابر اثرات تصادفی است بنابراین مدل ها برای ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید به صورت اثرات ثابت تخمین زده شود.

نتایج فرضیات پژوهش مدل اول پژوهش

جدول (۱۱): نتایج بررسی ضرایب جزئی با روش ثابت با توجه به ناهمسانی مدل

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی، تعداد دوره: ۷، تعداد تقاطع: ۹۷، تعداد ترکیب موزون: ۶۷۹					
$ETR_{it} = \alpha_{it} + \beta_1 IO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 (IO_{it} * SIZE_{it}) + \beta_4 Growth_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$					
نتیجه	احتمال	آماره t	ضرایب	نماد	متغیرها
معنادار	۰.۰۰۵۴	۲.۷۹۰۰	۰.۵۷۹۹	C	ضریب تصادفی
معنادار	۰.۰۰۱۵	-۳.۱۹۸۹	-۰.۱۵۵۳	IO	مالکیت نهادی
معنادار	۰.۰۰۵۷	۲.۷۷۵۵	۰.۵۷۴۱	LEV	اهرم مالی
معنادار	۰.۰۰۰۱	-۳.۸۸۳۰	-۰.۰۲۱۰	Cash	نقدینگی
معنادار	۰.۰۰۶۹	-۲.۷۱۲۵	-۰.۰۰۳۷	Growth	رشد شرکت
معنادار	۰.۰۰۰۰	-۵.۷۳۶۸	-۰.۰۹۵۴	ROA	بازده دارایی‌ها
معنادار	۰.۰۰۰۰	۶۹.۱۳۶۵	۰.۹۴۹۰	AR(1)	وقفه مدل
۰/۸۴۵					R-squared
۰/۷۹۹					Adjusted R-squared
۹۶۴/۱۷۴					F-statistic
۰/۰۰۰۰					Prob(F-statistic)
۲/۰۲۴					Durbin-Watson stat

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتیجه

آزمون F: در یک معادله رگرسیون چند متغیره، چنانچه هیچ رابطه‌ای میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود نداشته باشد، باید تمامی ضرایب متغیرهای مستقل در معادله، مساوی صفر باشند. از این‌رو، باید معنادار بودن معادله رگرسیون مورد آزمون قرار گیرد. این کار با استفاده از آماره F انجام می‌شود. همان‌طور که در جدول (۱۱) ملاحظه می‌شود، مقدار آماره F و سطح معناداری مربوط به این آماره، بیانگر این است که فرضیه صفر آماری که همان بی‌معنا بودن کل مدل (صفر بودن تمام ضرایب) است، رد می‌شود و مدل رگرسیون برآورد شده، در کل معنادار است.

ضریب تعیین R²: معیاری است که قدرت رابطه میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل را تشریح می‌کند. مقدار این ضریب در واقع مشخص‌کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. در این مدل، ضریب تعیین برابر با ۰/۸۴۵ است؛ یعنی ۸۴٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل توضیح است.

ضریب تعیین تعدیل‌شده: این ضریب با ضریب تعیین برابر نیست، احتمالاً از دلایل وجود تفاوت بین میزان ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیلی وجود متغیرهای اضافی است که با داشتن اثر معنادار بر متغیر وابسته موجب کاهش کاذب در ضریب تعیین شده باشند.

بررسی اعتبار باقیمانده‌ها:

خودهمبستگی: با توجه به این که آماره به دست آمده از خطا با استفاده از آماره دوربین واتسون در دامنه ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، بیانگر نبود خودهمبستگی بین خطاهای مدل است.

آزمون t: با توجه به مقدار منفی ضریب رگرسیونی مالکیت نهادی می توان نتیجه گرفت مالکیت نهادی با اجتناب مالیاتی، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی (معکوس) معناداری دارد ($p < 0.05$). فرضیه اول مورد تایید می باشد.

با توجه به مقدار مثبت ضریب رگرسیونی اهرم مالی می توان نتیجه گرفت اهرم مالی با اجتناب مالیاتی، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت (مستقیم) معناداری دارد ($p < 0.05$). فرضیه دوم مورد تایید است. با توجه به مقدار منفی ضریب رگرسیونی نقدینگی می توان نتیجه گرفت نقدینگی با اجتناب مالیاتی، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی (معکوس) معناداری دارد ($p < 0.05$). فرضیه سوم مورد تایید است.

نتایج متغیرهای کنترلی

نتایج نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪ مقادیر t برای تمام متغیرها در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد یعنی متغیرها در مدل معنی دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می دهد که رشد شرکت و بازده دارایی ها تأثیر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

نتیجه گیری

فرضیه اول: مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

بنابراین می توان گفت مالکیت نهادی در ایران، به عنوان مکانیسم نظارتی قوی در کاهش هزینه نمایندگی عمل می کند. سرمایه گذاران این گروه اهداف بلند مدت سرمایه گذاری داشته و سبب کاهش فرصت های انحراف منافع مدیران می شود. بنابراین فرصت های به کارگیری تکنیک های اجتناب مالیاتی را کاهش می دهند.

اجتناب مالکیت نهادی به عنوان ناظر خارجی یک شرکت نقش مهمی در نظارت بر مدیریت ایفا می کند. این به این دلیل است که مالکیت نهادی نظارت بهینه تر بر مدیریت شرکت را تشویق می کند تا بر اساس قوانین قابل اجرا سود ایجاد کند، زیرا سرمایه گذاران نهادی اساساً در تعیین میزان تبعیت مدیریت با قوانین در ایجاد سود نقش دارند. مالکیت نهادی از نظریه نمایندگی پشتیبانی می کند، که توضیح می دهد که مالکیت نهادی می تواند مشکلات نمایندگی را حل کند. این شرایط می تواند رخ دهد زیرا مالکیت نهادی برای نظارت بر فعالیت های مدیریت شرکت بسیار مورد نیاز است (دارسانی و سوکارتا، ۲۰۲۱). بنابراین، سرمایه گذاران نهادی تمایل دارند از مقررات دولتی پیروی کنند. علاوه بر این، سرمایه گذاران نهادی به عنوان ناظران خارجی بر مدیریت شرکت در مدیریت مالیات نظارت خواهند کرد، زیرا سرمایه گذاران نهادی اساساً تمایل دارند از خطرات فعالیت های اجتناب از مالیات که می تواند به اعتبار شرکت آسیب برساند اجتناب کنند. این مطابق با تحقیقات انجام شده توسط دارسانی و سوکارتا، (۲۰۲۱)، است. روزالیا و ساپاری (۲۰۱۷)، یونی و ستیاوان (۲۰۱۹)، که بیان می کند که مالکیت نهادی تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارد. این بدان معناست که وجود مالکیت نهادی در تعیین سیاست های مربوط به اقدامات اجتناب مالیاتی نقش دارد.

این نتایج با نتایج مستانه و پاکمرام (۱۳۹۵)، و سافیتیری و اکتیریس (۲۰۲۳)، همسو و با نتایج کاهیانتی و همکاران (۲۰۲۴)، نوویانی و دامایانتی (۲۰۲۴)، و آگراها و همکاران (۲۰۲۰)، مخالف می باشد.

فرضیه دوم: اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

اهرم یک پارامتر شرکت برای تعیین توانایی آن در استفاده از بدهی در مدیریت فعالیت های تجاری برای ایجاد حداکثر سود است. بنابراین شرکت می تواند کلیه بدهی های کوتاه مدت و بلند مدت را پرداخت کند. منابع مالی به دست آمده از منابع مالی داخلی و خارجی است. طبق تحقیقات انجام شده توسط عالم (۲۰۱۹)، اهرم با نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام (DER) مشخص می شود. DER نسبتی است که برای اندازه گیری میزان تامین مالی دارایی های یک شرکت با بدهی استفاده می شود، جایی که شرکت از بدهی برای رفع نیازهای عملیاتی و سرمایه گذاری خود استفاده می کند. بر اساس تئوری نمایندگی، که رابطه بین نمایندگان و مدیرانی را که منافع متفاوتی دارند توضیح می دهد، اهرم یک متغیر مستقل است که بر اجتناب مالیاتی تأثیر می گذارد. عامل مدیر است و اصالتاً دولت. دولت می خواهد از مالیات درآمد بیشتری ایجاد کند، اما مدیر می خواهد با استفاده از اهرمها، پرداخت های مالیاتی را به حداقل برساند تا سود بیشتری کسب کند. یکی از راه های به حداقل رساندن پرداخت های مالیاتی، افزایش هزینه های بهره است که باعث کاهش سود شرکت و کاهش نرخ موثر مالیاتی (ETR) می شود. این مطابق با تحقیقات انجام شده توسط عالم (۲۰۱۹)، اوکتامواتی (۲۰۱۷)، و ویجایانتی و مرکوسیواتی (۲۰۱۷)، است که بیان می کند که اهرم تأثیر مثبتی بر اجتناب از مالیات دارد. این بدان معناست که رابطه بین اهرم و اجتناب مالیاتی رابطه مثبتی دارد و هر چه بدهی شرکت در اخذ وام برای فعالیت های عملیاتی بیشتر باشد، بار بهره بیشتری را متحمل می شود. این بار بهره بر بار مالیاتی شرکت تأثیر می گذارد و در نتیجه بار مالیاتی کاهش می یابد. بنابراین، شرکت انتخاب خواهد کرد که بر تامین مالی از بدهی تکیه کند تا بار مالیاتی پرداخت شده به میزان قابل توجهی سود را کاهش ندهد.

این نتایج با نتایج دودکانلوی و صدیقی (۱۴۰۰)، کهاینتی و همکاران (۲۰۲۴)، نوویانی و دامایانتی (۲۰۲۴)، سافیتیری و اکتریس (۲۰۲۳)، پوتری و دیگدویزایسو (۲۰۲۳)، و ساری (۲۰۲۱)، همسو و با نتایج کناری و نیکزاد قادیکلای (۱۴۰۲)، ستایش و همکاران (۱۴۰۰)، عینی و همکاران (۲۰۲۲)، مخالف می باشد.

فرضیه سوم: نقدینگی بر اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

نقدینگی معیاری برای سنجش توانایی شرکت در انجام تعهدات کوتاه مدت خود است. شرکت هایی که نقدینگی بالایی دارند معمولاً شرایط مالی خوبی را منعکس می کنند و آن ها را قادر می سازد تا به تمام تعهدات خود از جمله پرداخت مالیات عمل کنند. با این حال، اگر شرکتی نقدینگی پایینی داشته باشد، برای تامین مالی شرکت، حفظ جریان نقدی را بر پرداخت بار مالیاتی ترجیح می دهد. بنابراین بین نقدینگی و اجتناب مالیاتی رابطه وجود دارد. تئوری نمایندگی نشان می دهد که نقدینگی تأثیر مثبتی بر اجتناب مالیاتی دارد. این به این دلیل است که عملکرد یک شرکت با به حداقل رساندن هزینه ها از جمله هزینه های مالیاتی و افزایش کارایی بهینه می شود. شرکت هایی که نسبت نقدینگی بالایی دارند می توانند به تعهدات کوتاه مدت خود عمل کنند و این نشان می دهد که شرکت در وضعیت سالمی است و مشکل نقدینگی ندارد و می تواند به تعهدات مالیاتی خود عمل کند. بنابراین، نشانه شرکت در اجتناب مالیاتی کمتر است. با این حال، اگر نسبت نقدینگی پایین باشد، نشانه فرار مالیاتی بیشتر است زیرا شرکت با نقدینگی مشکل دارد و نمی تواند به تعهدات پرداخت مالیات کلان خود عمل کند. بنابراین، شرکت تمایل دارد برای کاهش بار مالیاتی خود به اجتناب از مالیات بپردازد (حنیفه، ۲۰۲۲).

این نتایج با نتایج سافیتیری و اکتریس (۲۰۲۳)، همسو و با نتایج پوتری و دیگدویزایسو (۲۰۲۳)، و عینی و همکاران (۲۰۲۲)، مخالف می باشد.

پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر است:

با توجه به تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی

- ✓ در همین راستا پیشنهاد می‌شود دولت با برگزاری سمینارهای مالیاتی به‌طور منظم، به ویژه در بین مدیران شرکت‌ها، میزان آگاهی مسائل مالیاتی را افزایش دهند و در مورد ضرورت پرداختهای مالیاتی برای توسعه کشور، آگاهی ایجاد نمایند.
- ✓ از آن جا که طبق نتایج به دست آمده نوع ساختار مالکیت شرکت‌ها میتواند تأثیر به‌سزایی در اجتناب یا عدم اجتناب مالیاتی آن‌ها داشته باشد لذا به سازمان امور مالیاتی توصیه می‌شود جهت جلوگیری از ضایع شدن حق و حقوق دولت، توجه خاصی به شرکت‌هایی که مالکیت سهام آن‌ها متعلق به اشخاص متعدد و با درصد پایین‌تر است، داشته باشد.

با توجه به تأثیر اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی

- ✓ با توجه به رابطه مثبت بین اهرم مالی و اجتناب مالیاتی تحلیلگران مالی توصیه می‌شود که در تصمیم‌گیریها و تخصیص منابع خود، اجتناب مالیاتی شرکتها را مدنظر قرار دهند، علاوه بر این با توجه به اینکه نظام راهبری مطلوب فرصت طلبی مدیران از منابع و وجوه حاصل از اجتناب مالیاتی را محدود میکند، توصیه می‌شود که سرمایه‌گذاران در انتخاب بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری پیش رو، به عوامل و سازوکارهای نظام راهبری شرکتی توجه داشته باشند.
- ✓ با توجه به نتایج حاصل به تحلیلگران بورس پیشنهاد می‌شود تا در هنگام تجزیه و تحلیل صورتهای مالی به عامل تحریفات مالی، توجه نمایند. شناخت این خصوصیات و تأثیر آن بر اجتناب مالیاتی می‌تواند کمک بسزایی به مدیران برای تجزیه و تحلیل‌های بهتر و بودجه بندی جامع‌تر باشد.

با توجه به تأثیر نقدینگی بر اجتناب مالیاتی

- ✓ مدیران به رفتار تئوری بازخورد بازار اهمیت دهند. تئوری بازخورد ساختار بازار بیان می‌کند وقتی قیمت سهام حاوی اطلاعاتی آموزنده برای مدیران شرکت‌ها باشد باعث افزایش نقدینگی می‌شود و در نتیجه برنامه‌های مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین تحقیقات گذشته نشان می‌دهند که بازخورد مدیران شرکت‌ها و سهامداران نسبت به محتوای اطلاعاتی قیمت سهام، یکی از مکانیزم‌های عامل جهت عملکرد بهتر شرکت‌ها، برای شرکت‌هایی با نقدینگی بالاتر است و نقدینگی با عملکرد مالی و سودآوری عملیاتی رابطه‌ی مثبتی دارد.
- ✓ مدیران تصور نکنند که با افزایش اجتناب مالیاتی سود خود را در بلندمدت افزایش دهند زیرا تحقیقات نشان می‌دهد که در شرکت‌هایی که معیار اجتناب از مالیات آن‌ها بیشتر است، پایداری سود کمتر بوده و سود رابطه‌ی ضعیف‌تری با جریان‌های نقدی آتی دارد. همچنین تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که در شرکت‌هایی که اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات می‌کنند، تفاوت بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات ابرازی بیشتر می‌باشد و این شرکت‌ها از رویه‌های گزارشگری مالی متهورانه‌تری استفاده می‌کنند. علاوه بر این شرکت‌هایی که اقدام به اجتناب از مالیات می‌کنند، بازده‌های مثبت و غیرعادی بیشتری پیدا می‌کنند.
- ✓ به مدیران شرکتها پیشنهاد می‌شود از طریق فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات، میزان خروجی عایدات شرکت را از طریق مالیات کاهش دهند و به‌نوعی یک نقدینگی را به درون شرکت ایجاد کنند.

منابع

- ✓ برزگر، قدرت الله، غلامی، ملک محمد، علایی نژاد، آرین، (۱۴۰۰)، تأثیر اهرم مالی بر مدیریت هزینه کارکنان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال پنجم، شماره ۵۸، صص ۱۵۶-۱۷۰.
- ✓ جهانخانی، علی، مجتبی شوری، (۱۳۹۰)، مدیریت مالی نوین، انتشارات سمت، جلد دوم، تابستان ۱۳۹۰.
- ✓ حسنی، محمد، پروانه، فاطمه، (۱۳۹۵)، مطالعه تجربی رابطه بین اجتناب مالیاتی و سهامداران نهادی، دومین کنفرانس بین المللی ایده های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- ✓ دودکانلوی میلان، جلال، صدیقی، روح اله، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر بدهی و جریان های نقد آزاد بر اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش مالکیت نهادی، پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۹، شماره ۵۲، صص ۱۳۱-۱۵۲.
- ✓ صالحی، اله کرم، (۱۳۹۹)، تأثیر مالکیت نهادی بر شاخص های ارزیابی عملکرد مبتنی بر اجزای سود باقیمانده و بازار، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)، دوره ۱۳، شماره ۴۶، صص ۱-۱۴.
- ✓ طاهری بادمحمد، فهمیه، محمودی، وحید، طایفه، سیامک، (۱۴۰۰)، تأثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی، چهارمین کنفرانس سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران.
- ✓ قاسمیان سوربنی، عطفه، مدائلو، فاطمه، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین همایش کنفرانس بین المللی جهش علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- ✓ مستانه اکبر، پاک مرام، عسگر، (۱۳۹۵)، نقش سهامداران نهادی در رابطه بین کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی، پژوهشنامه مالیات، دوره ۲۴، شماره ۳۱، صص ۱۴۵-۱۷۴.
- ✓ نوروش، ایرج، دیبانتی دیلمی، زهرا، (۱۳۸۳)، مدیریت مالی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ✓ یوسفوند، داود، محمدی، محمد، یوسفوند، ذبیح الله، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱۱۱-۱۲۶.
- ✓ Agraha, R. S., Dewi, R. R., & Masitoh, E. (2020). Influence of Corporate Governance, Leverage and Return on Assets (Roa) Against Tax Avoidance in Food And Beverage Companies Listed on The Stock Exchange. JASa (Jurnal Akuntansi, Audit dan Sistem Informasi Akuntansi), 4(2), 244-251.
- ✓ Aini, S. N., Adzrani, R. B. B., & Fadjar, A. (2022). THE EFFECT OF PROFITABILITY, LEVERAGE, AND LIQUIDITY ON TAX AVOIDANCE IN THE INDONESIA STOCK EXCHANGE, 2018-2020. International Journal of Early Childhood Special Education, 14(3).
- ✓ Darsani, P. A., & Sukartha, I. M. (2021). The Effect of Institutional Ownership, Profitability, Leverage and Capital Intensity Ratio on Tax Avoidance. American Journal of Humanities and Social Sciences Research (AJHSSR), 5(1), 13-22. <https://www.ajhssr.com/wpcontent/uploads/2021/01/C215011322.pdf>
- ✓ Devos, Erik., Rahman, Shofiqur., Tsang, Desmond, (2016). Debt covenants and the speed of capital structure adjustment. The address for the corresponding author was captured as affiliation for all authors. Please check if appropriate.
- ✓ Hanifah, I. N. (2022). Corporate Governance dan Likuiditas terhadap Tax Avoidance: Ukuran Perusahaan sebagai Variabel Moderasi. LITERA: Jurnal Literasi Akuntansi, 2(1), 1-14. <https://doi.org/https://doi.org/10.55587/jla.v2i1.5>
- ✓ Kravet, Todd. D. (2014). Accounting Conservatism and Managerial Risk-Taking: Corporate Acquisitions. Journal of Accounting and Economics, 218-240.
- ✓ Noviyani, R., & Damayanty, P. (2024). The Effect Of Good Corporate Governance, Leverage, And Company Size On Tax Avoidance. Journal of Economic, Bussines and Accounting (COSTING), 7(2), 2433-2443.

- ✓ Putri, S. S., & Digdowiseiso, K. (2023). The Effect Of Profitability, Liquidity, Leverage, Capital Intensity, And Company Size On Tax Avoidance. Jurnal Syntax Admiration, 4(4), 644-655.